

السَّلَامُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالصَّلَاةُ عَلَى الْأَوْلِيَاءِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَحَسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَآلِهِمَا الطَّيِّبِينَ

حسین

اثرشناسی کلمات طیب و خبیث

در فرهنگ قرآنی

جلسه پنجم

جناب آقای محمدحسین رحیمی



گروه فرهنگی المنهاج
لکلمتیکو مجتبی
جعلتکم امة



www.almenhaj.com(ir)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که)

(أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)

(أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَ)

(بلغزانم یا لغزانده شوم)

(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)

.....
(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)

(به جهل بکشانم،

یا به جهل کشیده شوم)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ

وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ

عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا

مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

وَ لاجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

جلسه دوم گفتاری پیرامون
(کلمات طیب و کلمات خبیث)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً
كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ.
تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ
الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ.
وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ
فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ.

(آيات 24-26 / سورة ي مبارکه ی ابراهیم)

آنچه گذشت

در جلسه‌ی گذشته گفتیم:

آدم (کلماتی) را از جانب (ربّ)،
در جان خود می‌یابد؛

حضور این کلمات در جان آدم موجب می‌شود:
به (جایگاه توبه) دسترسی پیدا کند.

پروردگاری که:

در کانون و مصدر صفت توبه است،
با بارشی از رحمت، به سوی آدم باز می‌گردد،
و علت آن این است که:

إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

بازگشت پروردگار به سوی آدم،
فقط صرف یک بازگشتن تنها نیست،
بلکه به همراهی با بارشی از صفت رحیمیت است.

نه تنها به آدم رو می‌کند بلکه به همراه خود،
(هدایت و به ثمر نشستن آن) را به ارمغان می‌آورد.

(فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)

و (هدایت و به ثمر نشستن آن)،
با (کلمات) صورت می‌پذیرد.

ادامه‌ی سخن

طرح یک چالش

(کلماتی) که آدم دریافت کرد،
و به واسطه‌ی آنها (هدایت) به ثمر رسید،
چه کلماتی بودند؟

در داستان آدم،
خداوند به (آدم) امر می‌کند:

(لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ)

(به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمان
خواهید بود)

(آدم) از درخت می خورد، و گرفتار (هبوط) می شود،
پس از (هبوط / اخراج از مقام) سخنش این است:

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا

(پروردگارا ما به خویشتن ظلم کردیم؛)

وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

(اگر ما را مورد غفران و رحمت قرار ندهی)

(از خسارت دیدگان خواهیم بود)

در نقطه‌ی مقابلِ (آدم)،

زمانی که خداوند از (شیطان) سوال می‌کند:

(قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي)

(ای ابلیس، چه چیز تو را از سجده کردن برای آنچه من با دو

دست خود ساختم، منع کرد؟)

(شیطان)، در پاسخ می‌گوید:

(قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ)، (پاسخ داد: من از او بهترم).

چقدر تفاوت هست بین:

کلام (شیطان):

(أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ) (من از او بهترم)

و کلام (آدم):

(رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا)

(پروردگارا ما به خویشتن ظلم کردیم؛)

شناسنامه‌ی (آدم)،
(اعتراف به ظلم) است:

(رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا)

(پروردگارا ما به خویشتن ظلم کردیم)

(شیطان)،

در نقطه‌ی مقابل (آدم) قرار دارد:

(انانیّت)، بر او غلبه دارد،

و تمام فضای وجود او را گرفته، سخنش این است:

(قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ) (من از او بهترم)

(اعتراف به ظلم) همان (کلماتی) است که:

(آدم) به توسط آن (توبه) می‌کند؛

و نتیجه‌ی (توبه) آمدن (هدایت) است.

و (کلماتند) که واسطه‌ی هدایتند.

دقت کنید!

جانمایه‌ی (آدم)، (اعتراف به ظلم)،
و جانمایه‌ی (شیطان)، (انانیت)، است؛

راه (سعادت و کمال) و نجات از (شیطان درون)،
(دست کشیدن از انانیت)،
و (اعتراف به ظلم)، است.

موردی دیگر از موارد استعمال کلمه
در قرآن کریم

شرح آیهی

(وَ إِذِ ابْتَلَىٰ اِبْرٰهٖمَ رَبُّهُ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهُنَّ)
(قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا)

خداوند در بخشی از داستان سیر پایانی جناب ابراهیم،
از کلماتی سخن می‌گوید که،
با **(اتمام این کلمات)**، جناب ابراهیم،
به **(مقام امامت)** دسترسی پیدا می‌کند.

**(وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ)
(قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)**

(سوره‌ی بقره / آیه‌ی 124)

به نظر می‌رسد که هر آیه،
دارای یک یا چند (کلید واژه) است،
که با دقت در آنها، معانی فراوانی از آیه فوران می‌کند.
یکی از این (کلید واژه‌ها)، در آیه‌ی مورد بحث،
کلمه‌ی (رَبِّ) است.

(وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ)
(قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)

در آیه‌ی گذشته نیز (رَبِّ)،
به عنوان یک (کلید واژه)، حضور داشت.

(فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)

آدم (کلماتی) را از جانب (رَبِّ)، در جان خود می‌یابد؛
و به واسطه‌ی حضور این کلمات،
به (جایگاه توبه) دسترسی پیدا می‌کند.

در آیه‌ی مورد بحث نیز **(رَبِّ)**،
جناب ابراهیم را به **(کلماتی)** مبتلا می‌کند.

(وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ)

(اتمام این کلمات) موجب ایجاد دسترسی جناب ابراهیم،
به **(مقام امامت)** می‌شود.

(فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)

(رَبِّ)، کسی است که از نقص به کمال هدایت می‌کند.
این هدایت توسط (ابتلاء به کلمات) صورت می‌پذیرد.

وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ

اما مقصود از (ابتلاء به کلمات)،
که به (مقام امامت) منتهی می‌شود، چیست؟.

التحقيق در مورد کلمه‌ی **(ابتلاء)**، می‌گوید:

أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِيهَا هُوَ إِجَادُ التَّحْوِيلِ،
أَي التَّقْلِبِ وَالتَّحْوِيلِ لِتَحْصِيلِ نَتِيجَةٍ مَنْظُورَةٍ.

اصل واحد در ماده‌ی **(ب-ل-و)**، **(ایجاد تحول)** یعنی:
زیرورو کردن و از حالی به حال دیگر کشیدن،
برای ایجاد نتیجه‌ی مورد نظر است.

با توجه به معنای **(ابتلاء)** که:
زیرورو کردن و از حالی به حال دیگر کشیدن،
برای ایجاد نتیجه‌ی مورد نظر است؛

مقصود از **(ابتلاء به کلمات)**،
مجموعه‌ی حوادثی است که:
در طول **(سیر زندگی)** جناب ابراهیم،
برای او اتفاق افتاده است.

حوادثی از قبیل:

افکنده شدن در آتش، تبعید،

فرستادن همسر و فرزند به مکانی غیر ذی زرع،

و از همه عجیب‌تر، داستان ذبح اسماعیل.

آیا با این توضیحات،

برای شما دسترسی تازه‌ای به معنای (کلمه)،

ایجاد می‌شود؟

در این دسترسِ تازه یا استعمالِ قرآنی،
(کلمات) به معنای
(حوادث و ابتلائات) به کار رفته است.

- (کلمه) <--- (حوادث و ابتلائات)
در آتش افکنده شدن <--- (کلمه)
تبعید از شهر و دیار <--- (کلمه)
بردن همسر و فرزند به بیابان غیر ذی زرع <--- (کلمه)
دستور به ذبح فرزند <--- (کلمه)

اتمام کلمات

(موجب دسترسی به مقام امامت)

تا این مرحله گفتیم که:

(رَبِّ)، جناب ابراهیم را به (کلماتی) مبتلا می‌کند.

این (کلمات)، (حوادث و ابتلائی) است که:

(رَبِّ)،

در (سیر زندگی) جناب ابراهیم طراحی کرده است.

(وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ)

(**اتمام این کلمات**) موجب ایجاد دسترسی جناب ابراهیم،
به (**مقام امامت**) می شود.

(فَأْتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)

حال چالش این است که (**اتمام کلمات**) که:
موجب دسترسی جناب ابراهیم، به (**مقام امامت**) می شود،
به چه معنا و چگونه است؟

مرحوم علامه طباطبایی
در (المیزان جلد 1 صفحه 270) می‌فرمایند:

وَ أَمَّا إِيْمَانُهُنَّ:

در مورد (ایمات کلمات) دو احتمال وجود دارد:

فَإِنْ كَانَ الضَّمِيرُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (فَأَتَمَّهِنَّ) رَاجِعاً إِلَى إِبْرَاهِيمَ،
كَانَ مَعْنَى إِيْتَامِهِنَّ إِيْتَانَهُ مَا أُرِيدَ مِنْهُ وَ إِمْتِثَالِهِ لِمَا أُمِرَ بِهِ.

اگر ضمیر در عبارت (فَأَتَمَّهِنَّ) به جناب ابراهیم برگردد،
مقصود از (اتمام کلمات) این است که:

ایشان آنچه را از او خواسته شده،
به نحو تام و تمام انجام داده و امر را امتثال نموده است.

وَإِنْ كَانَ الضَّمِيرُ رَاجِعاً إِلَيْهِ تَعَالَى كَمَا هُوَ الظَّاهِرُ،
كَانَ المرَادُ تَوْفِيقَهُ لِمَا أُرِيدَ مِنْهُ وَ مُسَاعَدَتُهُ عَلَى ذَلِكَ.

اگر ضمیر در عبارت **(فَأَتَمَّهُنَّ)** به الله تعالی برگردد،
که ظاهراً اینگونه است،
مقصود از **(اتمام کلمات)** این است که:

الله تعالی در آنچه از جناب ابراهیم خواسته،
به ایشان توفیق داده، و او را در این امر یاری کرده است.

در نتیجه:

(کلمات)، مجموعه‌ی حوادثی است که:
در طول (سیر زندگی) جناب ابراهیم،
برای او اتفاق افتاده است.

و (اتمام کلمات)،
توفیق و یاری در به سرانجام رساندن این حوادث است.

نتیجه‌ی (اِتمام کلمات)،
و به سرانجام رساندن حوادث،
دسترسی پیدا کردن به (مقام امامت) است.

و (امام)، مقتدای مردم و کسی است که:
مردم در قول و فعل به او اقتدا می‌کنند.

پایان جلسہ دوم گفتاری پیرامون
(کلمات طیب و کلمات خبیث)